■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۶۳ ■ چهارشنبه ■ ۱۶ مهر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۲ | اذان مغرب ۱۸/۵۷ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۱ | اذان صبح فردا ۴/۴۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۶

سخن روز

امام صادق(ع): زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکن و دوستان خود را هم به آن سفارش کن، که در این صورت، خداوند عمرت را طولانی و روزی ات را زیاد می کند و زندگی ات را همراه با سعادت می کند و جز سعادتمند نمی میری و نام تو را در شمار سعادتمندان، ثبت می کند. **بحارالانوار(ط-بیروت) ج۹۸، ص۴۷**

مصطفی رحماندوست: تربیت نسل کتابخوان وابسته به والدین اهل مطالعه است

فرهنگ قصه‌خوانی ریشه در تاریخ و ادبیات ایران دارد و این فرهنگ همواره در خانواده‌های ایرانی رواج داشته، ولی این فرهنگ کمرنگ شده است. امیدوارم فرهنگ قصه‌خوانی بار دیگر بین خانواده‌ها رواج پیدا کند تا بتوان نسل کتابخوان تربیت کرد؛ پایین آمدن سطح مطالعه نزد والدین یکی از عوامل مهم در کاهش علاقه به مطالعه در گروه سنی کودک و نوجوان است و تا زمانی که پدر و مادرها مطالعه نکنند و برای فرزندان خود کتاب شعر و قصه نخوانند نمی‌توان نسل علاقه‌مند به کتاب تربیت کرد.

بخشی از گفته‌های شاعر و داستان‌نویس کودک و نوجوان در ایرنا

باید جنبید. باید هرچه زودتر مشک را از آب پر کرد و از این محاصره و مهلکه به در برد. اما با کدام توان وقتی که هرم آفتاب، رمق بدن را کشیده است و عطش، عبور خون را در رگ‌ها دشوار کرده است!؟

سقای آب و ادب، سیدمهدی شجاعی، کتاب نیستان

نـــگاره
امیرعباس تبریزی

من از آن روز که در بند توام آزادم

دعوت به ماسک زدن امر به معروف است

یادداشت

مهران رجبی
بازیگر

بیستم شهریور حدود ۳۰۰ عکس سلفی با مردم گرفتم. خودم پروتکل‌ها را رعایت کردم اما نمی‌شد به ۳۰۰ نفر توضیح بدهم که کرونا شایع شده و باید رعایت کنیم. غروب همان روز متوجه شدم حالم خوب نیست و سه روز بعد زمینگیر شدم. از سر فیلمبرداری به بیمارستان رفتم و تست که گرفتند، گفتند به نوع شدید کرونا مبتلا شده‌ام و نتیجه اینکه ۱۵ روز باید همانجا می‌ماندم. اگر بخواهم حال و روز این ۱۵ روز را توصیف کنم کمترینش این است که به قول معروف شرایطم طوری بود که زمین را گاز می‌گرفتم. روزی ۷ تا ۱۱ آمپول تزریق می‌شد، یک شب از شدت بد حالی و درد از حال رفتم و خودم را کف اتاق بیمارستان دیدم. از تخت افتاده و بیهوش شده بودم. این تنها یک شب از شب‌های ابتلا به کروناست.

این بیماری، اصلاً شوخی‌بردار نیست. من هم مانند بسیاری از مردم می‌گفتم در نهایت کرونا می‌گیرم و ۱۴ روز در خانه می‌مانم و با خوردن مقداری داروی سنتی و کمی بخور خوب می‌شوم ولی اینطور نیست و کرونا واقعاً بیماری سختی است. آنقدر سخت که در همین فرصت کوتاه ۱۰ کیلو وزن کم کرده‌ام، نه می‌توانم بایستم و نه راه بروم. سعی می‌کنم با روحیه بالا خودم را حفظ کنم.

با شرایطی که این بیماری دارد چرا باید خودمان را درگیر کنیم؟ به هرحال بلایی است که همه مردم دنیا گرفتارش هستند ولی می‌توانیم حتی‌الامکان خودمان را در امان نگه داریم تا واکسنی بیاید و بیماری را درمان کنیم. اما برای امروز که هیچ واکسن و ایمنی نداریم مهمترین راه در امان ماندن این است که ماسک بزنیم و فاصله اجتماعی را رعایت کنیم.

خواهش می‌کنم با فکرهایی مثل اینکه ما گرفتیم و رد شد و متوجه نشدیم یا یک نفر خفیف گرفته خودتان را گول نزنید. وقتی درگیر کرونای واقعی می‌شوید می‌فهمید که با سخت‌ترین نوع بیماری مواجه هستید. به یاد ندارم در این ۵۹ سال عمر برای بیماری ناله کرده باشم اما تب، سرگیجه و حالت تهوع دست از سر بیمار برنمی‌دارد و نمی‌توانی ناله نکنی. گاهی در تلویزیون کسانی را می‌بینم که ماسک ندارند و وقتی با آنها مصاحبه می‌شود می‌گویند اعتقاد نداریم و قبول نداریم. این کلام نشانه حماقت و بی‌معرفتی است. می‌خواهد به شما بر بخورد، بر بخورد. درک درستی ندارید اگر این بیماری را جدی نگیرید و ماسک نزنید. هم باید خودمان ماسک بزنیم و هم باید به کسانی که ماسک ندارند تذکر بدهیم چون کرونا شوخی ندارد و همه گرفتار می‌شویم. امروز تذکر برای ماسک زدن از اولویت‌های امر به معروف است.

ضد آفتاب مرغوب

بهاء الدین مرشدی
داستان‌نویس

در مناقب بعد

رفیقی داشتم وقتی می‌خواست شروع به صحبت کند همان اول حرف زدنش می‌گفت: «خب بعد...» و بعد از بعد بود که تازه حرفش را می‌زد، اما هیچ‌وقت نشد که از او بپرسم چرا جمله‌اش را با بعد شروع می‌کند و بعد هم بود که دیگر او را ندیدم، یعنی هیچ خبر از او ندارم؛ با این همه فکر می‌کنم او در یک داستان عجیب زندگی می‌کرد، در یک داستانی که همیشه در بعد به سر می‌برد. دیده‌اید وقتی یکی حرف می‌زند و کمی مکث می‌کند و شما منتظر هستید ادامه ماجرایی را که طرف تعریف می‌کند بشنوید و می‌گویید: «خب بعد؟» این یعنی میل به شنیدن، این یعنی داستان دارد کار خودش را می‌کند؛ قصه دارد خوب پیش می‌رود که شما را در انتظار نگه می‌دارد تا بعدش را بشنوید و ببینید ادامه ماجرا چه بوده است. این یعنی تعلیق و فکر می‌کنم همیشه ادامه ماجرا برای رفیق من از همان ابتدایش شروع می‌شده که در همان اول می‌گفت: «خب بعد...»

این آدمی که دارم درباره‌اش حرف می‌زنم یک قصه‌نویس بود و به گمانم خوب می‌دانست که تعلیق در قصه چه کارکردی دارد. اصلاً تعلیق در زندگی چه تأثیری دارد. او داستان‌نویس خوبی است با اینکه سال‌هاست از او خبری ندارم اما همیشه وقتی به تعلیق فکر می‌کنم قیافه او جلوی چشم‌هایم می‌آید که همان اول ماجرا می‌گفت: «خب بعد...»

اما شده به همین زندگی‌مان فکر کنید و ببینید تعلیق چه جایگاهی در روزمره‌مان دارد؟ نگاهی به اپلیکیشن‌های پیام‌رسان‌تان بیندازید و ببینید چند بار کلمه خب را به کار برده‌اید در معنی بعد چی شد؟ یا چند بار نوشته‌اید خب بعدش؟ یا اصلاً در همین روزمره و در رودررویی با آدم‌ها چند بار از آن استفاده می‌کنید. فکر می‌کنم نتیجه را می‌دانید. خیلی. این یعنی زندگی روزمره. این یعنی ما با تعلیق زندگی می‌کنیم. همین که از لحظه دیگری از زندگی‌مان خبر نداریم یعنی داریم در یک تعلیق مدام به مدام زندگی می‌کنیم. این یعنی همه ما داستان‌های پر رمز و راز خودمان را داریم. این یعنی که می‌شود به تعداد همه آدم‌ها هزاران هزار قصه داشت، فقط به شرط آنکه شما خوب بدانید چطور راوی این قصه‌ها باشید. بدانید این خب بعدها را کجای قصه‌تان بگذارید.

در درام‌نویسی یک اصل داریم؛ باید همیشه یک اتفاقی بیفتد. تا اتفاقی رخ ندهد درامی شکل نمی‌گیرد، اما یک اتفاق برای درام کافی نیست. باید یک اتفاقی بیفتد و بعد براساس همان اتفاق یک اتفاق دیگر رخ دهد. می‌بینید اینجا هم ما با کلمه بعد سر و کار داریم؛ کلمه‌ای شگفت‌انگیز که در زبان و در زندگی کارکرد زیادی دارد. یکی مثل رفیق من از همان ابتدا در بعد به سر می‌برد و دیگرانی هم چون ما با بعدهای زیادی سر و کار داریم.

حالا در پایان این نوشته می‌گویم از بعد خوشم می‌آید و ما همیشه در انتظار بعد هستیم؛ در انتظار بعدی که در لحظه‌ای دیگر به حالا تبدیل می‌شود. دنیای درام البته که دنیای پیچیده‌ای است.

کودکانه

سفر اربعین به زبان کودکانه

اربعین را خیلی‌ها این سال‌ها با پیاده روی مخصوصش می‌شناسند. پیاده روی سخت اما دوست داشتنی که خیلی وقت‌ها بچه‌ها هم در این سفر همراه پدر و مادرهایشان می‌شدند. امسال و با شرایطی که به‌دلیل شیروع بیماری کرونا پیش آمد این سفر انجام نشد اما اگر دوست دارید برای بچه‌ها تعریف کنید چه اتفاقاتی در این سفر می‌افتد یا اینکه دوست دارید برایشان از فلسفه و دلیل این سفر بگویید بهترین راه یک داستان کودکانه به زبان خودشان است. «گام گام تا داستان سفر اربعین» به نویسندگی زهرا فلسفی و فاطمه مینویی کتابی است که درباره این سفر نوشته و منتشر شده است. قصه درباره طاها و نورا، برادر و خواهری است که برای اولین بار همراه

پدر و مادرشان راهی سفر اربعین می‌شوند. در این سفر اتفاقات تازه‌ای برایشان می‌افتد و دوستانی پیدا می‌کنند. اگر همراه فرزندتان این سفر را تجربه کرده اید این کتاب و مرور خاطرات سفر حتماً برایش جذاب است و اگر هم تا به حال پیاده روی اربعین را تجربه نکرده و سؤال‌های زیادی درباره‌اش دارد با این کتاب می‌توانید به بخشی از سؤال‌هایش پاسخ دهید. این کتاب برای گروه سنی الف و ب نوشته شده و تصویرهای جذابی دارد که رنگ آمیزی نشده‌اند و بچه‌ها خودشان باید آنها را رنگ کنند. همین باعث می‌شود از خواندن داستان خسته نشوند. کتاب درباره اربعین و سفرش برای بچه‌ها چندان نداریم اما این کتاب می‌تواند برای کسانی که می‌خواهند فرزندان‌شان با اربعین و سفرش آشنا شوند اتفاق خوبی است.

■ **گام گام تا داستان سفر اربعین**
■ **نویسنده: زهرا فلسفی و فاطمه مینویی**
■ **نشر: فانوس دریایی**

عکس نوشت

نمایشگاه «نقش راستان» قرار بود به مناسبت اربعین با تابلوهای حسن روح‌الامین درباره کربلا و عاشورا برگزار شود، اما با تعطیلی مراکز فرهنگی هنری تهران به دلیل شیوع کرونا، اکنون این نمایشگاه را به صورت مجازی می‌توانید ببینید. در این نمایشگاه ۱۷ اثر از روح‌الامین مانند «خلیل من»، «عرش بر زمین افتاد»، «ویرانه شام» و آثاری از مجموعه «عصیان» به نمایش درآمده است. یک پرده اثر مهدی شمس، چهار قطعه پرده اثر محمدرضا محمدحسین شهره به حسینی و همچنین یک کتیبه اثر میرزا عمو تهرانی متخلص به میرزا ابراهیم مربوط به قرن ۱۳ (قاجاریه) را هم در این نمایشگاه می‌توانید ببینید. برای بازدید آنلاین از نمایشگاه «نقش راستان» به سایت فرهنگستان هنر و نشانی http://www.honar.ac.ir/b/HassanRooholAmin/index.htm **مراجعه کنید.**

#ترامپ

هشتگ

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید تنها سه روز بعد از بستری شدن در بیمارستان سوژه شبکه‌های اجتماعی شد. عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از انتقال رئیس جمهور امریکا به کاخ سفید منتشر شد. بخصوص عکسش پس از درآوردن ماسک که خیلی‌ها آن را به اهمیت ندادن ترامپ به کرونا تعبیر کردند. چون همچنان ناقل ویروس است. فیلمی که از صحبت‌های ترامپ بعد از بازگشت منتشر شد هم سوژه بود چون به نظر خیلی‌ها در این فیلم مشخص بود مشکل تنفسی دارد: «این چه ابتلایی بود که دو روز هم تو بیمارستان نموند آمد بیرون؟ اینم یه ترفند انتخاباتی ترامپ هست برای بُلد موندن. تو این وضعیت کرونا من باورم نمی‌شه کسی اقدامات احتیاطی رو رسماً باور نداشته باشه. کرونا بگیره اینقدر زود خوب بشه»، «جدای تنفس سختش، دقیقه ۱:۲۸ سعی می‌کنه جلوی سرفه‌اش رو بگیره.»، «نفس‌های عمیق ترامپ پس از بازگشت به کاخ سفید سوژه شد.»، «تصاویر جدید منتشر شده از کاخ‌سفید به طور کاملاً واضح نشان می‌دهد که ترامپ پس از مرخص شدن از بیمارستان در نفس کشیدن مشکل دارد.»، «ترامپ با آگاهی کافی از کارکرد رسانه و تجربه فراوان در زمینه تلویزیون و تصویر می‌داند چگونه بازگشت خود از مبارزه با کووید۱۹ را مانند بازگشتی فاتحانه از میدان نبرد تصویرسازی کند تا حامیانش را به هیجان بیاورد و چهره رهبری استوار را به مخاطب منتقل کند.»، «ترامپ به کاخ سفید بازگشت. در میان شگفتی رسانه‌ها ماسک‌اش را از صورت برداشته و به مردم گفته: «از کرونا نترسید.»، «از تابستان خیلی از تحلیلگران امریکایی گفتند که کرونا کلید انتخابات است و ترامپ کلید را در دست گرفته است. خیلی باهوش است این موجود»، «من نمی‌دونم چه کرونایی بود که ۴ روزه جمع شد.»، «الان مصاحبه دکتر سرتیم پزشکی ترامپ رو دیدم، حقیقتاً دلم براش سوخت! خب خبرنگارا بمبارونش کردن از بس سؤال که چطور انقدر زود مرخص شده! اون بدبختم هی می‌گفت تو کاخ سفید هم تحت مراقبته! بعضی سؤالات هم سرشو میناخت پایین جوابی نداشت می‌گفت این بخش دیگه من مسئولش نیستم! بیچاره گیر کرده!»، «ترامپ برگشته کاخ سفید. کرونا مگه ۲ هفته قرنطینه نداره؟! کرونای امریکایی زود خوب می‌شه آیا؟!»، «نمایش مضحک ترامپ درباره کرونا! ترامپ بستری شد، دو روز بعد به کاخ سفید برگشت»، «این آقای ترامپ آدم جالبیه. جوری به سرعت برگشت به کاخ سفید که تیتر بزنند «ترامپ برگشت تا باقیمانده کارکنان کاخ سفید را هم بیمار کند» البته با توجه به نظرسنجی‌ها و اختلاف وحشتناکی که جو بایدن باهاش پیدا کرده حق داره بخواد زودتر برگرده تا عقب‌نمونه».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

دادگاه خبرساز

ماجرا

دومین جلسه دادگاه محمد امامی متهم پرونده بانک سرمایه و صندوق ذخیره فرهنگیان در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. هم به این دلیل که خیلی‌ها او را به عنوان تهیه کننده سریال شهرزاد می‌شناسند هم به دلیل حساسیتی که پرونده فساد مالی در صندوق ذخیره فرهنگیان در مردم ایجاد کرد. دیروز رقم‌های عجیب مطرح شده در دادگاه را کاربران زیادی بارنشر می‌کردند و درباره‌اش می‌نوشتند. ضمن اینکه عکس امامی که ماسک نزده بود هم بارها بازنشر شد: «امامی به غندالی یک آپارتمان در نیاوران به ارزش تقریبی ۲۵ میلیارد تومان، واحد دیگر در همین منطقه به ارزش ۸ میلیارد، یک ویلا در رودبار قصران به ارزش ۴ میلیارد و یک دستگاه لکسوس هدیه داده است. غندالی، مدیرعامل سابق صندوق ذخیره فرهنگیان بوده. چیزی که از این ارقام به ذهن من میاد اینه که چقدر گیرش میاد که می‌ارزه اینقدر رشوه بده؟ مهمتر؟ مدیرعامل یک صندوق چقدر دستش بازه که می‌تونه در ازای «هدیه»، این مقدار «مفید» باشه؟ پیدا شدن این باگ‌های سازوکار به اندازه محاکمه متهمان مهمه.»، «خدا لعنت کنه کسانی را که دارایی‌های ناچیز فرهنگی‌ها رو حیف و میل کردن و در طی خدمت ۳۰ ساله خدمتمون کوچکترین خدمتی به‌وسیله صندوق دریافت نکردیم»، «دادگاه محمد امامی بدون هیچ موضوع جدیدی، صرفاً با قرائت کیفرخواست و تکرار ادعاهای همه این چند سال در حال برگزاری است. تقریباً هیچ موضوع جدیدی مطرح نشده و همه موارد تکراری برای چندمین بار در حال تکرار و بازخوانی»، «آقای محمد امامی زحمت کشیدن پول صندوق ذخیره فرهنگیان رو یا خرج سلبریتی‌ها کردن، یا از کشور خارج کردن و به حساب اقوام نزدیک (مادر و خواهر) ریختن؛ نکته جالب استفاده امامی از افراد کارتون خواب به عنوان مدیرعامل شرکت‌ها بوده! [نقل به مضمون از نماینده دادستان در دادگاه امروز]»، «محمد امامی کیست؟ تهیه کننده سریال شهرزاد است، این فرد مدتی است به اتهام مشارکت در اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور راهی زندان شده و از متهمان اصلی پرونده بانک سرمایه به شمار می‌رود. با اینکه سلبریتی‌ها می‌دانستند این فرد مشکل اقتصادی داشته، اما هنوز با او همکاری می‌کردند...»، «در جلسه محاکمه محمد امامی مطرح شد: «او بخشی از پول‌ها را به سپرده بلند مدت بانکی برای مادر و خواهرش تبدیل کرده است «حالا بهتر متوجه شدیم که چرا خواهرشون دوره افتاده بودن برای تطهیر برادر متهم‌شون»، «شبکه نفوذ محمد امامی در بانک سرمایه: عزل و نصب مدیران بانکی با رشوه‌های میلیاردی، دریافت تسهیلات کلان با معرفی شرکت‌های صوری و کاغذی، گران‌نمایی املاک برای پرداخت بدهی بانکی و در نهایت به خاک سیاه نشاندن بانک...»».

■ ۱۶ مهر
■ **تولدها**

به نام تاریخ

ایرج افشار: پژوهشگر تاریخ و ادبیات ایران و کتاب شناس سال ۱۳۰۴ در چنین روزی به دنیا آمد. ایرج افشار پایه‌گذار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود و با تحقیقات و فعالیت‌هایش لقب «پدر کتاب شناسی ایران» را گرفت. «کتابشناسی فردوسی و شاهنامه» و «فرهنگ ایران زمین» از جمله کتاب‌های افشار هستند. او سال ۱۳۸۹ درگذشت.

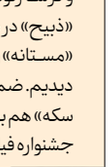

سحر دولتشاهی: بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون امروز ۴۱ ساله می‌شود. سحر دولتشاهی با بازی در نمایش «نیمروز خواب آلود» کارش را به‌صورت حرفه‌ای آغاز کرد و سال ۸۴ با بازی در فیلم «چهارشنبه سوری» وارد سینما شد. پس از آن در فیلم‌های «وقتی همه خوابیم»، «طلا و مس»، «عصر یخبندان»، «بارکد»، «عرق سرد» و «چهارراه استانبول» بازی کرد که برای «عصر یخبندان»، «چهارراه استانبول» و «عرق سرد» سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را گرفت.

سالروز تولد **عرفان گنجه‌ای** نوازنده تار، **ایرج محرمی** کارگردان، **فری زرجلال منش** داستان نویس، **افشین شاهرودی** شاعر و عکاس، **سیدمهدی موسوی‌نژاد** داستان نویس و **میخائیل سباستین** نویسنده رومانیایی هم امروز است.

■ ۱۷ مهر
■ **تولدها**

گلی ترقی: نویسنده ایرانی سال ۱۳۱۸ در چنین روزی به دنیا آمد. اولین مجموعه داستان گلی ترقی به‌نام «من هم چه گوارا هستم» سال ۱۳۴۸ منتشر شد و پس از آن مجموعه داستان‌های «خاطره‌های پراکنده»، «جایی دیگر»، «دو دنیا» و «فرصت دوباره» و رمان‌های «خواب زمستانی» و «اتفاق» از او منتشر شده است. ضمن اینکه فیلمنامه فیلم «درخت گلابی» اقتباسی از داستانی به همین نام نوشته گلی ترقی است.

محمد متوسلانی: بازیگر و کارگردان ایرانی امروز ۸۵ ساله می‌شود. متوسلانی سال ۱۳۳۷ با بازی در فیلم «طوفان در شهر ما» وارد سینما شد و پس از آن بیشتر در فیلم‌های کمدی همراه منصور سپهرنیا و گرشا رئوفی بازی می‌کرد اما با کارگردانی فیلم‌های «سازش» و «ذبیح» در دهه ۵۰ بیشتر به شهرت رسید. در این سال‌ها فیلم‌های «مستانه» و «گناهکاران»، «شب روباه» و «بانی چاو» را با بازی او دیدیم. ضمن اینکه کارگردان فیلم‌های «جست‌وجوگر» و «دوروی سکه» هم بود که برای جست‌وجوگر دیپلم افتخار بخش فیلمنامه جشنواره فیلم فجر را گرفت.

مت دیمون: بازیگر امریکایی سال ۱۹۷۰ در چنین روزی به دنیا آمد. مت دیمون کارش را با نوشتن فیلمنامه «ویل هانتینگ» آغاز کرد و برایش اسکار بهترین فیلمنامه را هم برد اما فقط فیلمنامه نویس باقی نماند و بازی او را در فیلم‌هایی مانند «نجات سرباز رایان»، «یاران اوشن»، «اعترافات یک ذهن خطرناک»، مجموعه‌های «بورن»، «چوپان خوب»، «رفتگان»، «شکست‌ناپذیر»، «شیوع» و «سابربیکن» دیدیم.

ناصر عرفانیان عکاس، **محمود فرهمند** سازنده ساز و **روبن مامولیان** کارگردان ارمنی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

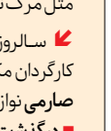

حامد خسروی: مستندساز موفق ایرانی سال ۱۳۹۳ در چنین روزی درگذشت. حامد خسروی متولد ۱۳۵۷ بود و «چراغ پشتان»، «دیوئار بچه ها»، «راند ۲۰۵»، «ترانه اندوهگین کوهستان» از مطرح‌ترین مستندهای او بودند. خسروی برای «ترانه اندوهگین کوهستان» سیمرغ بلورین بهترین مستند، تندیس جشن خانه سینما، جایزه جشنواره سینما حقیقت و بهترین فیلم جشنواره مادرید اسپانیا را به دست آورد.

ناصر فروغ بازیگر هم در چنین روزی درگذشت.

■ ۱۸ مهر
■ **تولدها**

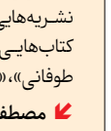

تقی مدرسی: رمان نویس ایرانی سال ۱۳۱۱ در چنین روزی به دنیا آمد. تقی مدرسی سال ۱۳۳۵ اولین رمانش را به‌نام «یکلیا و تنهایی» منتشر کرد که به انتخاب مجله سخن کتاب برگزیده سال شد. پس از آن رمان‌های «شریفجان شریفجان»، «کتاب آدم‌های غایب» و «آداب زیارت» را نوشت. استفاده او از اسطوره‌ها بخصوص در کتاب اولش آثارش را شاخص کرده است. مدرسی سال ۱۳۷۶ درگذشت.

گروس عبدالملکیان: شاعر ایرانی سال ۱۳۵۹ به دنیا آمد. گروس عبدالملکیان سال ۸۱ اولین دفتر شعرش را به‌نام «پرنده پنهان» منتشر کرد و پس از آن «رنگ‌های رفته دنیا»، «سطرها در تاریکی جا عوض می‌کنند»، «حفره ها» و «هردو نیمه ماه تاریک است» با اشعار او منتشر شده است. سال ۹۲ گزیده اشعار او همراه عکس‌های ۳۶ عکاس ایرانی مانند عباس کیارستمی، بهمن جلالی، سیف‌الله صمدیان و مهران مهاجر در کتاب «هیچ چیز مثل مرگ تازه نیست» منتشر شد.

سالروز تولد **جان لنون** خواننده و آهنگساز، **گی یرمو دل تورو** کارگردان مکزیکی، **ژاک تاتی** بازیگر و فیلمساز فرانسوی، **جهانشاه صارمی** نوازنده تار و سه تار و **متین عزیزپور** بازیگر هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

اردشیر محصص: طراح و کاریکاتوریست ایرانی سال ۱۳۸۷ در چنین روزی درگذشت. اردشیر محصص متولد ۱۳۱۷ بود از کودکی طراحی و نقاشی می‌کرد و کار در نشریه «کتاب جمعه» به سردبیری احمد شاملو اولین کار حرفه‌ای او بود. او سال‌ها طراح و کاریکاتوریست نشریه‌هایی مانند روزنامه کیهان بود و البته طرح‌هایش را در کتاب‌هایی مانند «اردشیر و صورتک هایش»، «اردشیر و هوای طوفانی»، «تشریفات»، «شناسنامه» و «دیباچه» منتشر کرد.

مصطفی مقربی نویسنده و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی و **سیدمحمد مشکات** کتاب شناس ایرانی هم در چنین روزی درگذشتند.